

تحلیلی بر سیاست تمرکززدایی در دو وزارتخانه "علوم، تحقیقات و فناوری" و "بهداشت، درمان و آموزش پزشکی" با تاکید بر آیین نامه تفویض اختیار برنامه‌های درسی به دانشگاه‌ها

محمد رضا نیلی احمدآبادی * *PhD*

* دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

اهداف. یکی از راهکارهای تمرکززدایی در سیستم مدیریت دانشگاه‌ها، برنامه تفویض اختیار به هیات امنای دانشگاه‌هاست که نمونه‌ای از آن، آیین‌نامه تفویض اختیار در برنامه‌ریزی درسی است. این مقاله با هدف پاسخ‌گویی به این سؤال که آیا "آوا" چارچوب اصلی تفویض اختیار برنامه درسی به دانشگاه‌ها را مشخص کرده است یا خیر، انجام شد.

روش‌ها. این تحقیق توصیفی با روش تحلیل محتوای کمی و کیفی انجام شد. جامعه و نمونه آماری یکسان و در حقیقت نمونه‌گیری به روش سرشماری بود. واحد تحلیل در این آیین‌نامه، ماده‌ها به انضمام مقدمه و واحد ثبت، جملات و عبارات آیین‌نامه بود و تحلیل داده‌ها با روش میانگین وزنی انجام شد.

یافته‌ها. توجه به عناصر ارتباطی در آیین‌نامه، مواردی از عدم انسجام بین مواد آیین‌نامه، عدم انطباق این مواد با اهداف، سیاست‌ها و راهکارهای اجرایی مندرج در آیین‌نامه، واگذاری اختیارات برنامه درسی در حد متوسط به دانشگاه‌ها و کلی‌گویی در بعضی از قسمت‌های متن آیین‌نامه ملاحظه شد.

نتیجه‌گیری. آمادگی‌های لازم در دانشگاه‌ها برای این تفویض فراهم نیست. مواردی از قبیل عدم ارزیابی سریع از نحوه اجرای آیین‌نامه، سردرگمی دانشگاه‌ها به علت پرداختن به کلی‌گویی‌هایی در بعضی از مواد و عدم تبیین چگونگی اجرای آیین‌نامه به صورت جامع، نمونه‌ای از ابهام‌های این قانون است.

کلیدواژه‌ها: تفویض اختیار، برنامه درسی، آموزش عالی، آموزش پزشکی، خودگردانی

Analysis of deconcentration policy of two ministries of "science, research & technology" and "health, treatment & medical education" with emphasis on delegation of powers on curriculum to universities by-law

Nili Ahmadabadi M. R. * *PhD*

*Faculty of Psychology & Educational Sciences, Allameh Tabatabaiee University, Tehran, Iran

Abstract

Aims. One of the deconcentration solutions of management system of universities is delegation of powers to board of trustees of universities. Delegation of power on curriculum to universities by-law is among such delegation of powers. This research aimed to find if this by-law have determined the main frame of delegation of power on curriculum to universities.

Methods. This descriptive research has been conducted by quality and quantity analysis method. Statistical population and samples were the same and statistical sampling was done by headcounting. Analysis unit of this by-law was comprised of articles, introduction and registration unit and sentences and expressions of it. Data was analyzed by weighted average method.

Results. Correlation of elements, integrity of the articles, non-conformity of these articles with objectives, policies and executive solutions set forth in the by-law, delegation of power on curriculum to universities to some extent and proceeding through general topics of some sections of the by-law were observed.

Conclusion. Universities are not prepare for such delegation. Such cases as failure in prompt evaluation of how to execute the by-law, confusion of universities due to proceeding through general topics in some sections and non-clarification of comprehensive method of execution of the by-law are some ambiguities of this act.

Keywords: Delegation of Power, Curriculum, Higher Education, Medical Education, Autonomy

مقدمه

در شرایطی که پیش‌بینی می‌شود هر ۵ سال میزان تولید علم دوبرابر شود، بدون بازنگری برنامه‌های موجود، نظام آموزشی در معرض تهدید قرار می‌گیرد. دانشگاه از مهم‌ترین سازمان‌هایی است که نقش اساسی در پیشرفت علمی و فرهنگی جوامع برای نیل به اهداف کوتاه‌مدت و درازمدت ایفا می‌کند. نگاه اجمالی به برنامه چشم‌انداز بیست‌ساله و برنامه چهارم توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که از سال ۱۳۸۴ آغاز شده است و همچنین تحولات بنیادی که عمدتاً از نیمه دوم سال ۱۳۸۳ در عرصه دانشگاه‌ها رخ داده است، بیانگر این واقعیت است که سیاست‌گذاران فرهنگی کشور، رسالت سنگینی را به دوش دانشگاه‌ها نهاده‌اند که رساندن این مهم به سرمنزل مقصود جز با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح امکان‌پذیر نخواهد بود. نمونه‌ای از این تصمیم‌گیری‌ها را می‌توان در تفویض اختیار به هیأت امنای دانشگاه‌ها (ماده ۴۹ بند الف)، تفویض اختیار در برنامه‌ریزی درسی و به‌دنبال آن انتظار در افزایش سطح کیفی آموزش و پژوهش نام برد [۱]. اگرچه این تغییرات نقطه امیدی برای بهبود وضعیت دانشگاه‌ها در کشور است، اما برای گذر از مرحله قدیم به مرحله جدید و ایجاد تغییر اساسی در نظام دانشگاهی، باید به ابعاد مختلف و مؤلفه‌های مؤثر در این تغییر توجه کرد. یکی از مؤلفه‌های مهم در این تغییرات، آیین‌نامه "تفویض اختیار در برنامه‌ریزی درسی" وزارت علوم و بهداشت به دانشگاه‌ها است، که محقق در این مقاله بدان پرداخته است. البته لازم است در ابتدا توضیحاتی درباره‌شان قانون، قوانین آموزشی و تفویض اختیار ارائه گردد.

قانون عبارتست از هر دستوری که با تشریفات خاص از طرف مقاماتی که صلاحیت دارند، وضع می‌شود و برای دیگران لازم‌الاجرا می‌باشد، اما یکی از مشکلات قانون‌گذاری در کشور ما، عدم وحدت و انسجام در قوانین مرتبط با یک موضوع است. مثلاً برای درک واقعی یک قانون آموزشی باید به شبکه‌ای از قوانین مرتبط با موضوع آن قانون مراجعه کرد و سپس ابعاد مختلف آن قانون را تحلیل کرد. مشکل دیگر قوانین ما اینست که بسیاری از آنها با شرایط موجود تطبیق نمی‌کنند. اگرچه بعضی قوانین از نظر منطقی وضعیت مناسبی دارند ولی بستر مناسب برای اجرای آنها نیست [۲].

با توجه به تعریفی که از قانون شد، قانون آموزشی چارچوبی را برای نظام‌های آموزشی، کارکردهای آنها، وظایف مسئولین و مشارکت-کنندگان در امر آموزش مشخص می‌کند. یکی از راه‌های ارزیابی نظام‌های آموزشی بررسی دقیق قوانین و آیین‌نامه‌ها از ابعاد مختلف است. تحلیل‌گران باید بدانند کارکردهای قوانین آموزشی چیست و چه وظایفی برای مسئولین و مشارکت‌کنندگان در فرآیند برنامه‌ریزی آموزشی در نظر گرفته شده است [۳]. در قوانین آموزشی موارد زیر باید روشن باشد [۴]:

- چه کسی برای اجرای قانون مسئول است و سطح اختیار او در چه حد است؟ قوانینی که مجریان و سطح اختیار آنان مشخص نشده، قوانین ضعیفی است.
- تعیین وظایفی که مقامات آموزشی باید برعهده گیرند.
- تعیین وظایف ذی‌نفعان و مشارکت‌کنندگان
- تصمیم‌گیری برای متخلفین از قانون

از آن‌جا که آیین‌نامه‌ها مانند قانون ایجاد حق و تکلیف می‌کند؛ باید دقت زیادی در تدوین آنها به عمل آید، زیرا آنها روابط مجریان با سطوح پایین‌تر سازمان را تبیین می‌کنند. البته آیین‌نامه مانند قانون نیست زیرا قانون توسط مجلس وضع می‌گردد و آیین‌نامه به چگونگی اجرای قانون اشاره می‌کند و بنابراین قوه مجریه وضع‌کننده آیین‌نامه-هاست و نه قوه مقننه. دو نکته مهم درباره آیین‌نامه عبارتست از این‌که اولاً آیین‌نامه نباید مخالف قانون باشد و ثانیاً نباید تکلیف جدیدی غیر از قانون را برای مردم ایجاد کند [۲]. یکی از مهم‌ترین راهکارهای مشارکت سازمانی برای تسهیل اجرایی‌شدن آیین‌نامه‌ها، تفویض اختیار است. تفویض اختیار عملی است که براساس آن یک فرد یا جمعی که صاحب قدرت قانونی یا سیاسی است حق اعمال بخشی یا تمامی اختیاراتش را به فرد زیردست یا مجمع زیردست خویش واگذار می‌کند [۵]. در تفویض اختیار در برابر مسئولیتی که از افراد خواسته می‌شود باید به آنها اختیار لازم را داد و آن افراد نیز در برابر اختیاردهنده باید حساب پس دهند [۶]. نظر به اهمیت چگونگی تفویض اختیار در نهادهای اداری و ضرورت بسترسازی مناسب برای این امر گام‌های اصلی برای تفویض اختیار به شرح زیر بیان می‌شود: آماده‌سازی، تطابق مهارت با وظایف، توافق بر روی اهداف، فراهم آوردن منابع، نظارت بر پیشرفت، بازنگری و ارزیابی عملکرد کلی [۷]. در این رابطه باید توجه شود که فرآیند تغییر باید هم از پایین به بالای سیستم و هم از بالا به پایین انجام پذیرد زیرا پایین‌دست‌ها مهارت و دانش دارند و بالادست‌ها قدرت. اگر مدیریت در رده بالا به دلیل عدم شناخت، با پذیرش ابتکارها از سوی زیردست‌ها مخالفت نماید، انتظار رفرم در سیستم دانشگاه انتظار واقعی نیست [۸]. مدیریت دانشگاه‌ها در شرایط سراسر تغییر کنونی باید به جهانی‌شدن اقتصاد بازار که بر دنیای امروز چیره شده است، پاسخ داده و با آنها تعامل کند. عدم رشد و حرکت دانشگاه متناسب با تغییرات سریع جهانی باعث می‌شود نبض جامعه از حالت تعادل خارج شده و جامعه دچار سستی و رخوت شود. در آستانه ورود به قرن بیست‌ویکم بر حضور خلاقانه دانشگاه‌ها و بر ضرورت بازنگری در عملکرد آن تأکید می‌شود. از آن‌جا که جوهره فعالیت هر مؤسسه آموزشی، برنامه درسی آنست پس بازنگری برنامه درسی در دانشگاه‌ها که انتقال‌دهنده اطلاعات و فراهم‌کننده زمینه برای ساخت دانش و کسب مهارت‌هاست از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و باید به کیفیت آموزش با توجه به ابعاد مختلف آن توجه شود [۹]. یک مبحث مهم در برنامه‌ریزی درسی، ترکیب افراد و عناصر دست‌اندرکار تصمیم‌گیری درباره برنامه درسی است. این افراد نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌گیری

و کیفیت محصول یا برنامه درسی دارند و با توجه به ترکیب طراحان و تدوین‌کنندگان برنامه درسی، خصوصیات، ویژگی‌ها و کیفیت متفاوتی از برنامه درسی حاصل می‌شود [۱۰].

در شرایط فعلی نظام دانشگاهی ایران، جایگاه متخصص برنامه درسی و صاحبان حرف و مشاغل که نقش مهمی در ارتباط بین دانشگاه و جامعه دارند خالی است و استاد بخش مهمی از مسئولیت برنامه‌ریزی درسی را به دوش می‌کشد، ولی علی‌رغم تخصص و خبرگی علمی، باید هدف‌های کلی خویش را با مصوبات شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی هماهنگ نماید. از این‌رو با توجه به اهمیت برنامه درسی و این‌که اصلاح آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر اصلی هر سیستم دانشگاهی خودگردان به‌شمار می‌رود، محقق را برآن داشت تا در این پژوهش آیین‌نامه واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌های کشور (ا.وا) را تحلیل محتوای کمی و کیفی نموده و سعی نماید ضمن استناد به موارد عینی و کمی، به مضمون پیام نیز توجه نماید. آیین‌نامه واگذاری اختیارات برنامه درسی به دانشگاه‌ها (ا.وا) در اردیبهشت ماه ۱۳۷۹ به منظور نهادینه کردن مشارکت دانشگاه‌ها، تمرکز زدایی و ارتقای کیفیت آموزش عالی به مورد اجرا گذاشته شد. اهداف آیین‌نامه عبارتند از: انطباق هر چه بیشتر برنامه‌های درسی با نیازهای جامعه، نهادینه کردن برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه‌ها، روزآمد شدن برنامه‌ها با توجه به تحولات دانش بشری و تناسب بیشتر برنامه‌های درسی با امکانات دانشگاه‌ها تدوین و به اجرا درآمد. براساس این آیین‌نامه، دانشگاه‌های دارای هیأت ممیزه مستقل می‌توانند پس از طی مراحل مندرج در آیین‌نامه نسبت به بازنگری، حذف، ادغام، جایگزینی و تغییر دروس رشته‌های موجود (به استثنای دروس عمومی) اقدام نمایند. مجوز راه اندازی رشته‌ها در دانشگاه‌ها به عهده وزارت متبوع می‌باشد. ا.وا. در ۱۳ ماده و ۴ تبصره تهیه شده است.

نتایج

قبل از پرداختن به این قسمت، تذکر این نکته ضروری است که ماهیت آیین‌نامه ایجاب می‌کند که متن آن دارای صراحت، روشنی و به‌دور از کلی‌گویی و توضیحات اضافی باشد. بنابراین انتخاب کلمات و جملات باید به‌گونه‌ای باشد که با حداقل کلمات، پیام به‌ذی‌نفعان ارسال گردد. در نتیجه در تحلیل آیین‌نامه، کلیت بحث براساس مندرجات ظاهر پیام مورد تحلیل قرار گرفته است.

پس از تحلیل محتوای کمی و کیفی آیین‌نامه نتایج ذیل به‌دست آمد:

الف) در بررسی مقوله توجه به عناصر اصلی انتقال پیام بر اساس مدل ارسطویی (سه عنصر؛ فرستنده، گیرنده و پیام) مشخص شد که در این آیین‌نامه فرستنده پیام (وزیر وقت وزارت علوم و تحقیقات و فن‌آوری)، گیرنده پیام (دانشگاه‌های سراسر کشور)، اهداف پیام (مندرج در مقدمه و ماده ۱) به‌خوبی مشخص شده است. قانون‌گذار در زیر مجموعه هدف آیین‌نامه به راهبردهای کلان (مندرج در مواد ۳ الی ۷)، ابزار و الزامات و نیز راهکارهای اجرای آیین‌نامه (مندرج در مواد ۱۰ و ۱۱) و بالاخره ارزیابی از میزان تحقق اهداف (مندرج در مواد ۱۱ و ۱۲) اشاره کرده است.

در بررسی میزان توجه آیین‌نامه به عناصر اصلی یک سیستم یعنی ورودی، فرآیند، خروجی و بازخورد، ملاحظه گردید که به‌صورت ضمنی این عناصر در آیین‌نامه مشخص شده است:

ورودی سیستم: عوامل متعددی مانند اساتید و دیدگاه‌های آنان برای ایجاد رشته متناسب با نیاز جامعه و یا برنامه رشته موجود به منظور بازنگری

فرآیند و پروسه انجام کار: ذکر چگونگی انجام کار در مواد ۸، ۱۰، ۱۱ خروجی سیستم: برنامه درسی جدید یا تجدیدنظرشده در ماده ۹ بازخورد سیستم: نظارت معاونت آموزشی وزارت متبوع بر حسن انجام کار در ماده ۱۲

ب) در رابطه با بررسی میزان تبیین ویژگی‌های برنامه‌ریزی درسی مطلوب در دانشگاه‌ها، با توجه به اهداف اصلی واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌ها (براساس ماده ۱) به شرح زیر:

و کیفیت محصول یا برنامه درسی دارند و با توجه به ترکیب طراحان و تدوین‌کنندگان برنامه درسی، خصوصیات، ویژگی‌ها و کیفیت متفاوتی از برنامه درسی حاصل می‌شود [۱۰].

در شرایط فعلی نظام دانشگاهی ایران، جایگاه متخصص برنامه درسی و صاحبان حرف و مشاغل که نقش مهمی در ارتباط بین دانشگاه و جامعه دارند خالی است و استاد بخش مهمی از مسئولیت برنامه‌ریزی درسی را به دوش می‌کشد، ولی علی‌رغم تخصص و خبرگی علمی، باید هدف‌های کلی خویش را با مصوبات شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی هماهنگ نماید. از این‌رو با توجه به اهمیت برنامه درسی و این‌که اصلاح آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر اصلی هر سیستم دانشگاهی خودگردان به‌شمار می‌رود، محقق را برآن داشت تا در این پژوهش آیین‌نامه واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌های کشور (ا.وا) را تحلیل محتوای کمی و کیفی نموده و سعی نماید ضمن استناد به موارد عینی و کمی، به مضمون پیام نیز توجه نماید. آیین‌نامه واگذاری اختیارات برنامه درسی به دانشگاه‌ها (ا.وا) در اردیبهشت ماه ۱۳۷۹ به منظور نهادینه کردن مشارکت دانشگاه‌ها، تمرکز زدایی و ارتقای کیفیت آموزش عالی به مورد اجرا گذاشته شد. اهداف آیین‌نامه عبارتند از: انطباق هر چه بیشتر برنامه‌های درسی با نیازهای جامعه، نهادینه کردن برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه‌ها، روزآمد شدن برنامه‌ها با توجه به تحولات دانش بشری و تناسب بیشتر برنامه‌های درسی با امکانات دانشگاه‌ها تدوین و به اجرا درآمد. براساس این آیین‌نامه، دانشگاه‌های دارای هیأت ممیزه مستقل می‌توانند پس از طی مراحل مندرج در آیین‌نامه نسبت به بازنگری، حذف، ادغام، جایگزینی و تغییر دروس رشته‌های موجود (به استثنای دروس عمومی) اقدام نمایند. مجوز راه اندازی رشته‌ها در دانشگاه‌ها به عهده وزارت متبوع می‌باشد. ا.وا. در ۱۳ ماده و ۴ تبصره تهیه شده است.

به عبارتی این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا "ا.وا" چارچوب اصلی تفویض اختیار برنامه درسی در دانشگاه‌ها را مشخص کرده است.

روش‌ها

این تحقیق از نوع توصیفی با روش تحلیل محتوای کمی و کیفی است. تحلیل محتوا از نظر ویلبر و وینر به هر رویه نظام‌مندی اطلاق می‌شود که به‌منظور بررسی محتوای اطلاعات ضبط‌شده طراحی گردد. کریپیندورف تحلیل محتوا را یک فن پژوهشی برای ربط دادن داده‌ها به مضمون آن، به‌گونه‌ای معتبر و تکرارپذیر تعریف کرده است [۱۱].

اگرچه برای تحلیل محتوا سه ویژگی نظام‌مندی، عینی و کمی بودن، ذکر شده، ولی کمی کردن نباید سبب شود که پژوهشگر چشم خود را به راه‌های دیگر ارزیابی ببندد. در این پژوهش سعی شده ضمن استناد به موارد عینی و کمی، به مضمون پیام نیز توجه گردد. در این تحقیق جامعه و نمونه آماری یکسان است و در حقیقت نمونه‌گیری به‌صورت

جدول ۱) مطابقت هدف‌ها و معیارهای ارزیابی در آیین‌نامه و آگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌ها	
هدف (ماده ۱) و بندهای مربوط	معیار (ماده ۹) و بندهای مربوط
۱ الف) انطباق هرچه بیشتر برنامه‌های درسی با نیازهای جامعه	ب) پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه ه) ایجاد روحیه خلاقیت و کارآفرینی در دانش‌آموختگان و) ایجاد قابلیت و مهارت‌های لازم برای ورود به جامعه و بازار کار
۲ ب) نهادینه کردن برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه‌ها	-----
۳ ج) روزآمد شدن برنامه‌ها با توجه به تحولات دانش بشر	ج) هماهنگی با تحولات علمی روز
۴ د) تناسب بیشتر برنامه‌های درسی با امکانات و توانایی‌های دانشگاه‌ها	-----
۵ -----	الف) انطباق با ارزش‌ها، هدف‌ها و راهبردهای کلی کشور

جدول ۲) نتایج حاصل از تحلیل میزان گسترش تمرکززدایی در ماده‌های آیین‌نامه و آگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌ها

تمرکززدایی		تمرکزگرایی	
زیاد=۳	متوسط=۲	کم=۱	خنثی=۰
تعداد	۷	۹	۱۶
درصد	۴۳/۸	۵۶/۲	۱۰۰
تعداد	۹	۲	۳
درصد	۵۲/۹	۱۱/۷	۱۷/۶
تعداد	۱۶	۲	۳۳
درصد	۴۸/۵	۶	۹/۱

شده‌اند. در بعضی از اهداف اصلاً معیاری برای ارزیابی نیامده و معلوم نیست چگونه و با چه معیاری میزان تحقق هدف از سوی معاونت آموزشی ارزیابی می‌گردد (ردیف ۲ و ۴). در یکی از ردیف‌ها معیار ذکر شده شبیه هدف می‌باشد و در واقع فرقی بین معیار ارزیابی و هدف وجود ندارد (ردیف ۳). در ردیف ۵ و ۶ شاهد معیارهای ارزیابی هستیم که نه در ماده ۱ و نه در مقدمه آیین‌نامه هدفی برای آنها ذکر نشده است و معلوم نیست این معیارها برای چه هدفی تدوین شده است (جدول ۱).

همچنین ناهم‌گونی‌هایی در مواد آیین‌نامه مشاهده شده است. مثلاً در موضوع ماده ۲ آمده است که تدوین برنامه درسی رشته‌های مصوب، با رعایت آیین‌نامه‌های آموزشی (مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی) به-عهده دانشگاه گذاشته است. این سؤال مطرح است تدوین رشته‌هایی که قبلاً به تصویب رسیده و آماده اجرا برای برگزاری سایر دانشگاه‌ها است، چگونه به عهده دانشگاه گذاشته می‌شود؟ رشته‌های مصوب دارای سرفصل مشخص هستند که هر یک از دانشگاه‌ها پس از اخذ مجوز رشته مصوب می‌تواند آن را اجرا کند، در صورتی که دانشگاه تغییر در رشته مصوب را لازم بداند، می‌تواند آن تغییرات را در قالب ماده ۴، با رعایت ضوابط در برنامه ایجاد کند. بنابراین به نظر می‌رسد در این ماده تناقض و ناهم‌گونی وجود دارد.

د) در بررسی قابلیت اجرایی آیین‌نامه در دانشگاه‌ها مشخص شد که مفاد آیین‌نامه به دو محور ایجاد رشته جدید و اصلاح رشته‌های موجود در رابطه با بازنگری، حذف، ادغام، جایگزینی و تغییر دروس رشته‌های موجود (به استثنای دروس عمومی) اشاره می‌کند. در محور اول طبق ماده ۳، دانشگاه در دو مرحله می‌تواند رشته جدیدی ایجاد نماید. در

۱. انطباق هرچه بیشتر برنامه‌های درسی با نیازهای جامعه
۲. نهادینه کردن برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه‌ها
۳. روزآمد شدن برنامه‌ها با توجه به تحولات دانش بشری
۴. تناسب بیشتر برنامه‌های درسی با امکانات و توانایی‌های دانشگاه‌ها

مشخص شد که آیین‌نامه، رفع نیاز جامعه، به‌روز شدن اطلاعات و گسترش مدیریت غیرمتمرکز و نیز سپردن برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌ها را به‌عنوان هدف ذکر کرده است. اگرچه این اهداف مطلوب است ولی جای این سؤال باقی می‌ماند که پرورش ویژگی‌های فردی، استعدادها و علایق و توانایی‌های شناختی هر دانشجو در کجای اهداف قرار دارد. به‌علاوه آیا هدف دوم یعنی نهادینه کردن برنامه‌ریزی درسی، وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف آیین‌نامه است و یا خودش یک هدف است. در مقدمه، هدف تدوین آیین‌نامه حرکت در جهت نهادینه کردن مشارکت دانشگاه‌ها در مدیریت آموزش عالی، تمرکززدایی و ارتقای کیفیت آموزش عالی بیان شده است. بنابراین برنامه‌ریزی درسی مستقل وسیله‌ای برای ارتقای کیفیت دانشگاه‌هاست که در برنامه توسعه باید به آن دست یافت.

ج) در بررسی تعیین میزان شفافیت و انسجام کامل ماده‌های مختلف آیین‌نامه مشخص شد، که آیین‌نامه در بعضی موارد از شفافیت لازم برخوردار نیست، مثلاً در بررسی میزان هم‌خوانی اهداف بیان شده در ماده ۱ و معیارهای ارزیابی آنها در ماده ۹ ملاحظه شد که در بعضی اهداف، معیارهای ارزیابی جزئی‌تر از هدف مربوطه ذکر شده (ردیف ۱)، اگرچه برای ارزیابی دقیق هر هدف جزئی نیاز به شاخص‌های کمی بیشتری است. ولی در مجموع به نسبت، معیارها عینی‌تر از هدف بیان

ه) در رابطه با این که آیین‌نامه تا چه میزان راهکارهای اجرایی را نشان می‌دهد، مشخص گردید که تقریباً نیمی از متن آیین‌نامه (۱۶ واحد تحلیل از مجموع ۳۳ واحد) به مواردی اشاره می‌کند که جنبه نظری دارد و راهکار اجرایی را نشان نمی‌دهد. به‌علاوه بسیاری از موارد نظری به‌طور مشخص گسترش‌دهنده بعد تمرکززدایی نیست. اصرار آیین‌نامه بر استفاده از یافته‌های پژوهشی و نیز نظرات صاحب‌نظران (تبصره ماده ۱۰ و بند ب و ج ماده ۸)، امری واضح و روشن است که در هر برنامه‌ریزی اعم از متمرکز و یا غیرمتمرکز باید رعایت گردد. نزدیک به ۲۷٪ واحد تحلیل اشاره به موارد کلی و خنثی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

حرکت در مسیر توسعه و تحقق برنامه‌های میان‌مدت کشور مستلزم استفاده بهینه از سبک‌های برنامه‌ریزی و مدیریت نوین است و در این راستا دانشگاهها از ارکان اصلی توسعه در هر جامعه هستند که رسالت سنگینی را در پرورش نیروی انسانی و رفع نیازهای جامعه به دوش دارند. اقدامات زیربنایی در مدیریت دانشگاهها و توجه به عنصر خودگردانی از نکات مهمی است که در سال‌های اخیر شاهد آن هستیم. یکی از اقدامات اساسی، تفویض اختیار برای بازنگری دروس به دانشگاههاست که نمودی از عدم تمرکز و استقلال مراکز دانشگاهی است. در تحلیل محتوای آیین‌نامه مربوط، ضمن توجه مسئولین وزارت به عناصر مختلف اطلاع‌رسانی، نکات ضعفی در منسجم نبودن آیین‌نامه مشاهده می‌شود که اجرای آن را با موانع روبرو می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که عناصر اصلی ارتباط مانند هدف در آیین‌نامه به خوبی بیان شده است، اما با وجود بیان اهداف مناسب در آیین‌نامه، از بعضی موارد مثل توجه به ویژگی‌های فردی دانشجویان غفلت شده و از طرفی نوعی اختلاط بین هدف و وسیله در متن آیین‌نامه وجود دارد. بررسی یک‌دستی و انسجام مواد آیین‌نامه مبین نقایصی در تدوین آنست. مقایسه اهداف در ماده ۱ و معیارهای مشخص شده برای نیل به هدف در ماده ۹ نشان می‌دهد که برای بعضی اهداف معیارهای لازم در نظر گرفته شده، اما اهدافی هم بدون معیار ارزیابی باقی مانده‌اند و یا معیارهای ارزیابی که در بند ۹ مطرح شده، به هدف‌های مندرج در ماده یک ارتباط آشکار ندارد. در زمینه میزان قابلیت اجرایی بودن آیین‌نامه، نقدهایی وجود دارد. بی‌توجهی به حضور برنامه‌ریزان درسی در کمیته‌ها و حضور حداقل پنج نفر از اساتید گروه در کمیته مربوط، در حالی که بعضی از گروهها حدنصاب لازم را ندارند، نمونه‌ای از نقایص اجرایی است. با وجود هدف تمرکززدایی آیین‌نامه در دانشگاه در ابعاد مختلف برنامه‌های درسی، جهت‌گیری بعضی از مواد آیین‌نامه مانند استثنا در تفویض اختیار برای دروس عمومی و نیز محدود کردن دامنه عمل دانشگاهها از طریق لزوم اخذ مجوز از وزارتخانه، از جمله مواردی است که میانگین وزنی تمرکززدایی را کاهش می‌دهد. میانگین وزنی معادل ۱/۸ است که واگذاری اختیارات را در حد نزدیک متوسط برآورد می‌کند. درخصوص میزان آرایه راهکارهای اجرایی، حدود نیمی

مرحله اول تأیید عنوان رشته توسط شورای عالی برنامه‌ریزی و پس از اخذ مجوز از سوی دانشگاه، برنامه درسی رشته مربوط به شورای گسترش آموزش عالی ارسال می‌شود. در عمل این مرحله به‌طور کامل اجرا نمی‌شود و گاهی به‌علت ضرورت برگزاری رشته، مرحله تصویب عنوان و تصویب سرفصل با هم انجام می‌گیرد. در محور دوم درخصوص بازنگری رشته‌ها اختیار کامل به دانشگاه تفویض شده و پس از تأیید شورای دانشگاه که از رؤسای دانشکده‌ها و تعدادی از اساتید منتخب شوراهای فرعی دانشگاه تشکیل شده، قابل اجراء است. یکی از مشکلات اجرای آیین‌نامه، حدنصاب اعضای یک گروه آموزشی برای اعمال تغییر در برنامه‌های درسی است. در آیین‌نامه حداقل پنج عضو گروه در مرتبه استادیاری باید تغییرات را تأیید نمایند. در این جا این سؤال مطرح است که اگر گروهی به علل مختلف، نتواند این حدنصاب را کسب نماید، آیا مجوز بازنگری در برنامه درسی را ندارد. (و در بررسی میزان گسترش تمرکززدایی آیین‌نامه مشخص گردید، اما این که عنوان آیین‌نامه واگذاری اختیارات مبین تمرکززدایی است، اما در آن موادی وجود دارد که اختیارات را به‌عهده وزارت متبوع قرار داده است. از مجموع واحدهای تحلیل اعم از نظری و عملیاتی ۱۲٪ بیانگر واگذاری اختیارات به وزارتخانه و ۶۰٪ بیانگر تفویض اختیار به دانشگاهها است. با توجه به وزن مقیاس‌ها، میانگین وزنی معادل ۱/۸ است که تفویض اختیار را در حد نزدیک به متوسط نشان می‌دهد. علت مقدار نسبتاً ناچیز در میانگین وزنی استثنای است که کار برنامه‌ریزی را به‌عهده وزارتخانه گذاشته است. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌کنید برای بررسی این مقوله طیفی که در یک طرف آن تمرکزگرایی (با بارم منفی از ۱- تا ۳-) به ترتیب برای گزینه‌های کم، متوسط و زیاد) و در طرف دیگر تمرکززدایی (با بارم مثبت از ۱+ تا ۳+ به ترتیب برای گزینه‌های کم، متوسط و زیاد) تنظیم گردیده است. در وسط طیف گزینه خنثی با بارم صفر برای واحدهایی است که جهت‌گیری معینی در زمینه تمرکزگرایی ندارند و به تعبیر دیگر وجود یا عدم وجود آنها کمکی به هدف آیین‌نامه نمی‌کند. به‌عنوان مثال، انطباق برنامه درسی با ارزش‌ها (بند الف از ماده ۹) نمونه‌ای از گزینه خنثی است. گزینه زیاد به مواردی اطلاق می‌شود که مسئولیت کار کاملاً به عهده نهادی واگذار شده است. گزینه متوسط به مواردی اطلاق می‌شود که مسئولیت کار به عهده نهادی واگذار شده ولی مقامات بالاتر باید از نتیجه کار مطلع گردند. گزینه کم برای مواردی است که انجام یک کار منوط به مجوز مقام بالاتر است. به‌علاوه در این تحلیل دو سطح نظری و عملیاتی در نظر گرفته شده است. سطح نظری موادی را درباره واگذاری اختیارات به‌صورت کلی و انتزاعی بدون آرایه راهکار اجرایی توضیح داده است و در سطح عملیاتی به موادی در زمینه راهکارهای اجرایی اشاره شده است، مانند ماده ۱۰ درخصوص ترکیب کمیته برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه. طیف بارم‌بندی این سؤال در جدول ۲ آمده است.

منابع

- ۱- وزارت علوم تحقیقات و فناوری. آیین نامه واگذاری اختیارات برنامه ریزی درسی به دانشگاه ها به شماره ۱۰۸۹، ۱۳۷۹.
- ۱- ابوالحمد عبدالحمید. حقوق اداری. چاپ سوم. تهران: دانشگاه تهران؛ ۱۳۵۳.
- ۳- راولی لوهان دولنس. تغییر راهبردی در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی. آراسته حمید رضا، مترجم. چاپ اول. تهران: دانشگاه امام حسین؛ ۱۳۸۲.
- ۴- بیرج یان. قانون و برنامه ریزی آموزشی. شفیع پورمطلق فرهاد، مترجم. چاپ اول. اصفهان: جهاد دانشگاهی اصفهان؛ ۱۳۸۴.
- ۵- گولد جولوس، ویلیام ل کولب. فرهنگ علوم اجتماعی. زاهدی مازندرانی محمدجواد، مترجم. تهران: انتشارات مازیار؛ ۱۳۷۶.
- ۶- طباطبایی مومتمنی منوچهر. حقوق اداری. چاپ پنجم. تهران: دانشگاه تهران؛ ۱۳۵۵.
- ۷- صفائیانی علی. مهارت های تفویض اختیار. جزوه درسی. تهران: انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران؛ ۱۳۸۷.
- 8- Laurillard D. E-Learning in Higher Education. newcastle: niti; 2004.
- ۹- وزیری مزده، زهره سرمد. شاخص های کیفیت برنامه درسی در آموزش عالی. فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا (ویژه نامه روانشناسی). ۱۳۷۶؛ (۲۴، ۲۵): ۲۲-۱۷.
- ۱۰- مهرمحمدی محمود. ترکیب بهینه برای تصمیم گیرندگان در فرایند تدوین برنامه درسی. فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا (ویژه نامه روانشناسی). ۱۳۷۶؛ (۲۴، ۲۵): ۷-۲۳.
- ۱۱- ویمر راجر دی، دومینیک جوزف آر. تحقیق در رسانه های جمعی. سیدامامی کاووس، مترجم. چاپ اول. تهران: انتشارات سروش؛ ۱۳۸۴.
- از متن آیین نامه به کلیات پرداخته است. چنین شیوه ای در نگارش آیین نامه ها مشکلاتی را برای ارزیابی از میزان دستیابی به اهداف و چگونگی به اجرا گذاشتن مفاد آیین نامه در سطح دانشگاه ها ایجاد می نماید.
- پیشنهاد می شود، گام اساسی تفویض اختیارات به دانشگاه ها در دو وزارت علوم و بهداشت در ابعاد دیگر ادامه یابد و وزارتین متبوع ضمن اعتماد به دانشگاه ها و گروه های تخصصی و ارجاع امور برنامه های درسی به آنها، نسبت به تدوین آیین نامه ها دقت عمل بیشتری به عمل آورده و پس از اخذ بازخورد نسبت به کارهای انجام شده، در صورت لزوم اصلاحیه های لازم را ابلاغ نمایند. اگرچه در آیین نامه واگذاری اختیارات بازنگری برنامه درسی به دانشگاه ها تلاش شده ویژگی های یک تفویض اختیار اداری رعایت گردد و مواردی هم چون وظیفه تفویض شده و کسانی که باید این وظیفه را اجرا کنند، مشخص شده ولی به نظر می رسد آمادگی های لازم در دانشگاه ها برای این تفویض فراهم نبوده است. مواردی از قبیل عدم ارزیابی سریع از نحوه اجرای آیین نامه، سردرگمی دانشگاه ها به علت پرداختن به کلی گویی هایی در بعضی از مواد و عدم تبیین چگونگی اجرای آیین نامه به صورت جامع، نمونه ای از ابهام های این قانون است. ضمناً پیشنهاد می شود تحقیق جامعی از نظر اساتید و دانشجویان برای بازنگری دروس عمومی به عمل آید و در صورت عدم اثربخشی لازم، این دروس نیز مشمول آوا گردد.